

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه بینه

استاد ضرابی دی ۱۳۹۹

جلسه چهارم ۹۹/۱۰/۲۷

آیات شریفه : «وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ (۴) وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ (۵) - و اهل کتاب دستخوش پراکندگی نشدند مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد (۴) و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند و در حالی که به توحید گراییده اند دین [خود] را برای او خالص گردانند و نماز برپا دارند و زکات بدهند و دین [ثابت و] پایدار همین است (۵)»

عنوان : زمان شروع محاسبه نیک و بد افعال

«وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ...»: لحظات آغازین محاسبه نیک و بد افعال انسان از وقتی است که حق برای او روشن می شود؛ چرا چنین نباشد در حالیکه انسان جاهل که حق برای او روشن نیست توان اقامه حق را ندارد و روشن است که علم و قدرت دو شرط اصلی تکلیف اند؛ پس اینکه برخی کافر محسوب می شوند و برخی مشرک و منافق برای این است که حق را شناخته اند و به آن پشت پا زده و با آن دشمنی می کنند و این بخاطر خواهش های نفس حیوانی است که اقامه حق را دشمن راحت و لذت خود می بیند و به آن حمله می کند.

امام علی (علیه السلام) فرمود: «بَيَّنَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بَيِّنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ فِي كَثِيرٍ مِنْ آيَاتِ الْقُرْآنِ وَلَمْ يَجْعَلْ لِلْعِبَادِ عُذْرًا فِي مُخَالَفَةِ أَمْرِهِ بَعْدَ الْبَيَانِ وَالْبُرْهَانِ وَلَمْ يَتْرُكْهُمْ فِي لُبْسٍ مِنْ أَمْرِهِمْ ... قَالَ تَعَالَى وَ مَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ

ما جاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ - خداوند با برهان و روشن کردن موضوعات ، حق و باطل را از هم جدا ساخته و مردم را در اشتباه قرار نداده است، امت اسلامی پس از وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در تاریکی و کفر قرار گرفتند، و با هم اختلاف کردند و از هم جدا شدند. مسلمانان از هم پراکنده شدند و نسبت به اوصیاء پیامبر تجاوز و تعدی کردند، و این بعد از آن بود که خداوند برای اطاعت کنندگان پاداش و برای معصیت کنندگان عقاب معین فرمود، اما آن‌ها از هوای نفس خود پیروی کردند و اوامر خدا و رسولش را فراموش نمودند. خداوند متعال در قرآن فرموده: وَ مَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ. » (بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۵۷)

جز یاد دوست هر چه کنی عمر ضایعست جز سرّ عشق هر چه بگویی بطلانست
سعدی بشوی لوح دل از نقش غیر او علمی که ره به حق ننماید جهالت است

عنوان : توطئه یهود بر علیه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

سران یهود، پیش از آمدن پیامبر اسلام(ص) چون حضور آن حضرت را مانع بقای ثروت و قدرت ، به ویژه رسیدن به اهداف خود (سلطه بر جهان) می‌دیدند، و از زمان تولد موعود که در تورات وعده داده شده بود خبر داشتند، برای کشتن پیامبر (ص) از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. همیشه مترصد بودند او را از بین ببرند و وقتی در این زمینه ناکام ماندند، جنگ‌های صدر اسلام را براه انداختند و در نهایت با نفوذ در سازمان حکومتی آن حضرت، توانستند جانشینی پیامبر(ص) را به دست گرفته، حضرت علی(ع) را کنار بزنند، البته در این کار با سوء استفاده از بی‌بصیرتی بسیاری از مسلمانان و خیانت و همکاری برخی خواص، چنان با خشونت و تطمیع، ماهرانه عمل کردند که دو گروه مهاجر و انصار را (بازوهای اصلی اسلام) از صحنه بیرون بردند و صدای معترضین، امیر المؤمنین (ع) و دختر پیامبر(ص) و تعداد معدودی از مؤمنین هم به جایی نرسید. «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...» - هر آینه دشمن‌ترین مردم نسبت به مسلمانان، یهود و مشرکان را خواهی یافت، و با محبت‌تر از همه کس به اهل ایمان آنان را که گویند: ما نصرانی هستیم. این

(دوستی نصاری نسبت به مسلمین) بدین سبب است که برخی از آنها دانشمند و پارسا هستند و تکبر و گردنکشی (بر حکم خدا) نمی‌کنند. « (مأئده ۸۲)

خانه ی آن دل که ماند بی ضیا از شعاع آفتاب کبریا
تنگ و تاریک است چون جان جهود بی نوا از ذوق سلطان ودود

عنوان : ما در زمره کدام گروه از مردم هستیم؟

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اصنافی از مردم را شمارش کرده است تا حاضرین و آیندگان را در ارزیابی از خود و همچنین شناخت راه حق از باطل یاری کند: « أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا قَدْ أَصْبَحْنَا فِي ذَهْرٍ عَنُودٍ وَ زَمَنٍ كُنُودٍ يُعَدُّ فِيهِ الْمُحْسِنُ مُسِيئًا... - ای مردم! ما در روزگاری پر از کینه توزی و ناسپاسی به سر می بریم؛ نیک کردار، بد به شمار می آید، ستمگر بر سرکشی خود می افزاید، از دانش خویش بهره نمی گیریم، در باره آنچه نمی دانیم نمی پرسیم، و از حوادث کوبنده و دردناکی (که در انتظارمان است) نگران نیستیم! - تا ناگاه بر ما هجوم آورد (که در این صورت دیگر کار از کار گذشته و ندامت سودی ندارد) - در این روزگار مردم:

- عده ای به فساد نمی گرایند (نه از آن جهت که مایل نیستند بلکه) از آن جهت که دستشان نمی رسد، ابزار های لازم، و امکانات مالی لازم را در اختیار ندارند (مترصد و منتظر فرصت اند)

- گروهی دیگر با تکیه به قدرت؛ و در کسوت دین - سرانجام - شر و فساد خویش را آشکار می سازند. نیروهای خود از سواره و پیاده را بسیج کرده، و دینشان را برای اندوختن ثروت و کسب امتیازات، تباه می کنند؛ زمام جمعیت ها را به دست می گیرند؛ و بر منابر، خطابه ها می خوانند. وای که چه بد تجارتی است اینکه انسان، دنیا را بهای خویشتن ببند، و به جای نعمت ها و رضایت پروردگار، زندگی این جهان را برگزیند!

-جمعی نیز (که از داشتن قدرت محرومند) با دام تزویر و ریا و فریب، و نقاب دین بر چهره زدن و اعمال به ظاهر اخروی (طعمه های خود را به دست می آورند) خود را افتاده و متواضع جلوه می دهند، گام ها را کوتاه برمی دارند، دامن را جمع می کنند، خویشان را به زیور ایمان و شعار صالحان می آریند و در واقع دین را مرکب رسیدن به دنیا و وسیله معیشت قرار می دهند.

-کسانی هستند که از پستی و زبونی، (دستشان از همه مزایا کوتاه مانده و به آرزوهایشان دست نیافته و برای حفظ آبرو و کسب محبوبیت) خود را به زیور قناعت آراسته و به لباس پارسایان در می آورند (خود را قناعتگر، دنیاگریز، و زاهد می نمایند!) اما حقیقت این است که اینان هرگز در سلك زاهدان راستین نبوده اند!

- اما مردمانی دیگر وجود دارند که یاد قیامت، دیدگانشان را فرو افکنده (چشم به هرچه جز خدا، بس ته) و ترس روز حساب، اشک ها را بر گونه هایشان جاری ساخته است. از میان اینان جمعی (به خاطر حق گوئی) از جامعه مطرود، جمعی نگران و مقهور، برخی کام فرو بسته و خاموش، و بعضی همچنان مخلصانه به کار دعوت به حق مشغول اند، عده ای هم با دل های ریش و پریش، روزگار می گذرانند. دوری از تبه کاران، آنان را به گوشه تنهایی رانده است و در دریای تلخی ها غوطه ورنده. از بس پند داده (و با لجابت جهال مواجه شده اند) ملول و مغلوب شده و از بس کشته داده اند (اهل بیت پیامبرص و پیروانشان) به کمی گرائیده اند...!» (خطبه ۳۲ نهج البلاغه)

ما را به رندی افسانه کردند پیران جاهل شیخان گمراه

از دست زاهد کردیم توبه و از فعل عابد استغفرالله

عنوان : دین قیّم اشاره به فاطمه است (سلام الله علیها)

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ» : در این آیه شریفه تعالیم رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را در اخلاص در عبادت (توحید) اقامه نماز و ایتاء زکاة به عنوان شاخصه سنجش دینداری بیان نموده است که چنانچه تفسیر روشن تری بخواهیم، خوب است

درباره سخن امام باقر (علیه السلام) بیشتر اندیشه کنیم: «مولانا الباقر (علیه السلام) - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ ... وَ مَا أَمُرُوا هَؤُلَاءِ الْأَصْنَافُ إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ الْإِخْلَاصُ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ (صلی الله علیه و آله) وَ الْأَيْمَّةِ (علیهم السلام) وَ قَوْلُهُ وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ فَالصَّلَاةُ وَ الزَّكَاةُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ قَالَ هِيَ فَاطِمَةُ (سلام الله علیها) - امام باقر (علیه السلام) - و به این گروهها دستوری داده نشده بود. جز اینکه خدا را بپرستند و دین خود را برای او خالص کنند. اخلاص ایمان به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) است. وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ نماز و زکات امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ اشاره به فاطمه (سلام الله علیها) است.» (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۶۹)

« وَ ذَلِكَ » یعنی همه آنچه در اخلاص و اقامه نماز و ایتاء زکاة درباره پیامبر خدا (ص) و علی (ع) گفته شده در وجود دختر رسول خدا فاطمه (س) خلاصه فرموده و می گوید « دینُ الْقِيَمَةِ ».

در روایتی ، امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: « وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ قَالَ إِنَّمَا هُوَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقَائِمِ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ؛ آن همان دین حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. » و امام زمان علیه السلام در یکی از نامه هایشان می فرمایند: «وفی ابنة رسول صلی الله علیه و آله لی اسوة حسنة ... - در دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای من الگوی نیکویی است .» (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰)

وقتی منجی عالم بشریت مهدی موعود (عج) ظهور کند معلوم خواهد شد که این « وَ مَا أَمُرُوا... » که همان اخلاص و صلاة و ایتاء زکاة یعنی همان « وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ » تفسیری جز صدیقه طاهرة (سلام الله علیها) ندارد. همان بانویی که امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «ان فاطمة علیها السلام صدیقة شهيدة ... - فاطمه علیها السلام بانوی صدیقه ای است که او را به شهادت رسانده اند .» (کافی، ج ۱، ص ۴۵۸)

همان بانویی که پیامبر (ص) در حقش فرمود: «... یا فاطمة! لو ان کل نبی بعثه الله وکل ملک قربه شفّعوا فی کل مبغض لک غاصب لک ما اخرجہ الله من النار ابدا - ای فاطمه! اگر تمام پیامبرانی که خدا برانگیخته و تمام فرشتگانی که مقرب درگاه خود گردانده است، برای هر کینه توزی که حق تو را غصب نموده است، شفاعت کنند، هرگز خدا او را از آتش [دوزخ] خارج نمی سازد.» (بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۴)

یا رب بحسین و حسن و آل عبا	یا رب بمحمد و علی و زهرا
بی منت خلق یا علی اعلی	کز لطف برآر حاجتم در دوسرا
بر تو ز نبی نص جلی ادرکنی	ای خوانده ترا خدا ولی ادرکنی
یا حضرت مرتضی علی ادرکنی	دستم تهی و لطف تو بی پایان است